

ارائه یک الگوی اقتصاد سنجی جهت بررسی تأثیر سیاست‌های تمرکز زدایی برنامه سوم توسعه کشور بر رشد اقتصادی

مژگان معلمی*

اقتصاد، استادیار دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۸

چکیده

عدم تمرکز فرایندی است که در آن، امور محلی، خارج از حوزه فعالیت دولت مرکزی و توسط مقامات محلی اداره می‌گردد. امروزه یکی از روش‌هایی که اغلب کشورهای جهان برای بهبود کارایی بخش عمومی برگزیده‌اند، اجرای سیاست تمرکز زدایی است. در این مقاله با استفاده از تحلیل‌های هندسی - که از نوآوری‌های مقاله حاضر به‌شمار می‌رود - یک الگوی اقتصاد سنجی جهت بررسی تأثیر اجرای سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی معرفی می‌گردد. الگوی مذکور با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور برای ایران بومی شده و با محاسبه شاخص‌های مناسب جهت بررسی تأثیر اجرای سیاست‌های تمرکز زدایی برنامه سوم توسعه کشور بر رشد اقتصادی تخمین زده می‌شود. نتایج تخمین نشان می‌دهد با وجود آن که توزیع اختیارات میان استان‌های مختلف کشور منطبق با تئوری‌های موجود نبوده، ولی افزایش شاخص تمرکز زدایی در مجموع، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ملی داشته است.

کلید واژه‌ها: تمرکز زدایی، دولت‌های محلی، رشد اقتصادی، برنامه سوم توسعه کشور.

طبقه بندی JEL: H72, O41, C13.

Providing an Econometric Model to Investigate the Effects of Decentralization Policy on Economic Growth in the Third Plan of Development in Iran

Mozhgan Moallemi

Assistant Professor, Payam-e Noor University

Abstract:

Decentralization is a process in which local affairs are administrated by local authorities outside of activities of the central government. Today, decentralization policy is considered as one of the ways that most countries adopted to improve public sector performance. In this paper using geometric analysis, innovation that this paper represents, an econometric model is considered to evaluate the effects of the decentralization policy on economic growth.

The model is consistent with economic, political and social circumstances in Iran. This model investigates the effects of decentralization policy of the Third development plan on economic growth via estimating appropriate indicators.

Estimation results reveal the fact that an increase in decentralization indicator has a positive effect on national economic growth despite the inappropriate distribution of powers among different provinces of the country.

Keywords: Decentralization, Local Governments, Economic Growth, Third Development Plan of Iran.

JEL Classification: H72, O41, C13.

۱- مقدمه

در طول دو دهه گذشته، در بیشتر کشورهای دنیا یک انقلاب تدریجی در حاکمیت بخش عمومی پدید آمده است. این انقلاب با این هدف شکل گرفته است که مقامات تصمیم‌گیرنده برای تدارک کالاها و خدمات عمومی به مردم نزدیک‌تر باشند تا با آگاهی از نیازهای آنان بهتر بتوانند ترجیحات مردم را برآورده سازند. این امر، از یک سو از وظایف متعدد دولت مرکزی کاسته و از سوی دیگر به افزایش نقش سازمان‌ها و دولت‌های محلی^۱ منجر شده است. در طول دو

1- Local Governments

دهه گذشته، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به سیاست‌های تمرکز زدایی^۱ روی آورده و به نوعی این سیاست را اعمال کرده‌اند. بر همین اساس، تعاریف و تعبیر مختلفی از تمرکز زدایی صورت گرفته است. به طور نمونه، روندینلی (۱۹۸۱) تمرکز زدایی را به صورت «انتقال یا واگذاری اختیارات در زمینه‌های برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری یا مدیریت از سوی مقامات مرکزی (ملی) به مقامات محلی (پایین‌تر از سطح ملی)» تعریف کرده است.

در حقیقت کشورها با تمرکز زدایی از ساختار دولت در قالب واگذاری اختیارات^۳ از سوی دولت مرکزی به سطوح پایین‌تر در صدد هستند تا به کارایی اقتصادی و در نهایت رشد اقتصادی بالاتر دست یابند. از نظر برخی از محققین دیگر نیز، تمرکز زدایی در یک مفهوم کلی به معنای تفویض^۴ قدرت تصمیم‌گیری سیاسی به سطوح محلی و دولت‌های در مقیاس کوچک‌تر از دولت ملی است.

در ایران در برنامه سوم توسعه، توجه ویژه‌ای به مدیریت همراه با عدم تمرکز در اقتصاد کشور معطوف شد. بر اساس مستندات برنامه سوم مشخص می‌گردد که در طول برنامه، به صورت عملی سیاست واگذاری اختیارات به سطوحی پایین‌تر از ملی مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که بر اساس قانون برنامه، نحوه هزینه کردن اعتبارات عمرانی استانی - تنها از نوع تمرکز زدایی مالی از جنبه مخارج - به استان‌ها واگذار گردیده است. گذشته از این، می‌توان مواردی همچون واگذاری اختیار تدوین برنامه‌های آمایش در سطح استان‌های مختلف کشور را در راستای خواست دولت جهت اجرای سیاست تمرکز زدایی ارزیابی کرد.

سیاست تمرکز زدایی از یک سو از نقاط قوت و شایستگی‌هایی برخوردار بوده و از سوی دیگر با نظرات مخالفینی نیز همراه گردیده است. همچنین در راستای اجرای سیاست تمرکز زدایی، محدودیت‌های ساختاری و نهادی خاصی برای کشورهای در حال توسعه - بویژه ایران - وجود دارد. از این گذشته، تمرکز زدایی به واسطه تأثیری که بر کارایی اقتصادی دارد می‌تواند

1- Decentralization

2- Rondinelli (1981)

3- Devolution

4- Delegation

رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در مقاله حاضر به ارتباط میان تمرکززدایی از ساختار دولت و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. در بیان این ارتباط از تحلیل‌های هندسی و ریاضی جدیدی - که از نوآوری‌های مقاله حاضر به‌شمار می‌رود - استفاده می‌گردد. هدف از ارائه این چارچوب تحلیلی، تصریح الگوی اقتصاد سنجی برای ایران در زمینه تأثیر اجرای سیاست تمرکززدایی بر رشد اقتصادی است.

مقاله حاضر در نه بخش تهیه شده است. در بخش دوم برخی از مطالعات تجربی صورت گرفته در موضوع مورد نظر ارائه و در بخش‌های سوم، چهارم و پنجم به ترتیب مبانی نظری منافع، هزینه‌ها و محدودیت‌های تمرکززدایی بررسی می‌گردد. سپس در بخش ششم، تأثیر منافع و هزینه‌های تمرکززدایی بر رشد اقتصادی به صورت هندسی ارائه می‌شود. در بخش هفتم نیز بر اساس تحلیل‌های هندسی، یک الگوی ریاضی جدید در زمینه تأثیر اجرای سیاست تمرکززدایی بر رشد اقتصادی طراحی می‌گردد. در نهایت در بخش هشتم الگوی اقتصاد سنجی برای اقتصاد ایران بسط داده شده و تخمین زده می‌شود. این الگو که با توجه به شرایط و واقعیت‌های موجود برای اقتصاد کشور بومی شده است - و در این زمینه اولین کار از نوع خود به‌شمار می‌رود - به بررسی اثرات سیاست تمرکززدایی اعمال شده طی سال‌های برنامه سوم توسعه می‌پردازد^۱. نتایج تخمین این الگو در فاصله سال‌های برنامه سوم توسعه، واقعیت‌های قابل توجهی را در زمینه نحوه اعمال این سیاست در کشور بازگو می‌کند. بخش نهم نیز به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲- مروری بر ادبیات موضوع تمرکززدایی

با افزایش توجه به مفهوم تمرکززدایی در کشورهای مختلف جهان، مطالعات متعددی نیز در زمینه اثرات اجرای این سیاست شکل گرفته است. این مطالعات نشان می‌دهد تمرکززدایی از ساختار دولت منجر به افزایش کارایی در تدارک کالاها و خدمات عمومی می‌گردد.

۱- البته لازم به ذکر است که سیاست‌های تمرکززدایی اعمال شده در طول برنامه سوم توسعه هنوز با مفهوم واقعی تمرکززدایی فاصله بسیار دارد، ولی از آنجایی که تجربه و سابقه دیگری از اجرای این سیاست در ایران وجود ندارد، به منظور تخمین مدل طراحی شده مقاله و آزمون مدل، سیاست‌های اجرا شده در زمینه تمرکززدایی در طول برنامه سوم توسعه کشور مد نظر قرار گرفته است.

جدول (۱): خلاصه‌ای از مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه منافع و هزینه‌های تمرکززدایی

موضوع	نویسنده یا نویسندگان	عوامل مورد بررسی	مکان مورد بررسی	نتایج مطالعه
منافع تمرکززدایی	بانک جهانی (۱۹۹۹)	بهره‌وری و کیفیت ارائه خدمات	آمریکای لاتین (مکزیک)	تمرکززدایی منجر به تدارک کالاهای عمومی مطابق با ترجیحات مردم محلی شده و تخصیص منابع بهبود می‌یابد.
	شا (۲۰۰۰)	کاهش رشوه و فساد	کشورهای توسعه یافته	تمرکززدایی به واسطه افزایش پاسخ‌گویی مقامات محلی منجر به کاهش رشوه و فساد می‌گردد.
	هاتر و شا (۱۹۹۸) و فیسن و گاتی (۲۰۰۰)	کاهش رشوه و فساد	کشورهای منتخب	تمرکززدایی منجر به کاهش رشوه و فساد می‌گردد.
	اسموک (۲۰۰۱)	کیفیت ارائه خدمات، دموکراسی	کشورهای در حال توسعه	غلبه میزان منافع تمرکززدایی بر هزینه‌های آن مستلزم تعیین سطح مناسب تمرکززدایی است.
هزینه‌های تمرکززدایی	بانک جهانی (۱۹۹۹)	به خطر افتادن ثبات کلان اقتصادی	هندوستان	واگذاری تعیین پایه‌های مالیاتی مهم به دولت‌های ایالتی منجر به افزایش کسری بودجه گردیده است.
	لیتواک و همکاران (۲۰۰۲)	به خطر افتادن ثبات کلان اقتصادی	برزیل	تمرکززدایی و افزایش اختیار دولت‌های محلی منجر به افزایش مخارج در اجرای پروژه‌هایی بدون توجه اقتصادی و کسری بودجه دولت شد.
	بانک جهانی (۱۹۹۹)	به خطر افتادن ثبات کلان اقتصادی	چین	تمرکززدایی ابتدا منجر به رشد اقتصادی شد. ولی افراط در این زمینه، بی‌ثباتی اقتصاد کلان را به همراه داشت.
محدودیت‌های تمرکززدایی	ارزقی و هندرسن (۲۰۰۵)	دموکراسی	۴۱ کشور نمونه	نتایج تمرکززدایی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سطح دموکراسی است.
	فرینکمن و پلیخانوف (۲۰۰۵)	دموکراسی	روسیه	رابطه مثبت - اما از لحاظ آماری بی‌معنی - میان سطح دموکراسی و نتایج تمرکززدایی وجود دارد.
	بانک جهانی (۱۹۹۹)	دموکراسی	مکزیک	عدم وجود دموکراسی باعث گسترش فساد و کاهش کیفیت خدمات می‌شود.

البته در مطالعات انجام گرفته، منافع و هزینه‌های مختلفی در خصوص واگذاری اختیارات به

سطوح پایین تر از سطح ملی ذکر شده است. جدول (۱) خلاصه‌ای از مطالعات تجربی (خارجی) صورت گرفته در زمینه منافع، هزینه‌ها و محدودیت‌های موجود را در راستای اجرای سیاست تمرکززدایی نشان می‌دهد.

۳- مبانی نظری شناسایی منافع تمرکز زدایی

۱-۳: گسترش حق اظهار نظر و پاسخ گویی^۱

زمانی که مردم با شرکت در انتخابات در مورد عزل و نصب مقامات محلی در رده‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند، رقابت میان رده‌های مختلف دولت منجر به برآورده شدن خواسته‌های مردم محلی می‌گردد. بنابراین، تمرکز زدایی به مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مقامات محلی در مقابل سیاستگذاری‌های خود منجر می‌شود (Montero and Samuels, 2004).

۲-۳: افزایش سطح دستیابی به اطلاعات

اطلاعات نامتقارن^۲ زمانی رخ می‌دهد که فرد یا سازمانی از مواردی اطلاع دارد که فرد یا سازمان دیگری از آن اطلاع ندارد (Connolly and Munro, 1999). نه تنها شرایط دولت‌های محلی و مرکزی از لحاظ میزان دستیابی به اطلاعات در مناطق متفاوت است بلکه این تفاوت در برداشت نسبت به اطلاعات موجود نیز به چشم می‌خورد (Oates, 1972).

۳-۳: امکان کاهش رشوه و فساد مالی

بطور کلی از یک سو در صورت وجود قدرت و اختیارات انحصار گرایانه، رشوه و فساد مالی در سطح دولت مرکزی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر با افزایش پاسخگویی سیاستمداران به مردم، این امکان کاهش می‌یابد.

1- Accountability

2- Assymetric Information

۳-۴: افزایش کیفیت در ارائه خدمات محلی

با اجرای سیاست تمرکز زدایی، دولت‌های محلی علاوه بر شناسایی دقیق‌تر نیازهای مردم، راهبردهایی جهت تقویت مشارکت آنان در ارائه خدمات محلی اتخاذ می‌کنند؛ در نتیجه کیفیت کالاها و خدمات ارائه شده بهتر می‌شود.

۳-۵: افزایش بهره‌وری در سطح مناطق

تمرکز زدایی در ضمن شناسایی ترجیحات ساکنان محلی توسط مقامات محلی، باعث می‌شود که بخش خصوصی از نوآوری و زمینه‌های ایجاد خلاقیت در خصوص ارائه خدمات عمومی بهره‌گیرد (Break, 1967 & Strumpf, 1999).

۳-۶: کاهش ناکارایی X

ناکارایی X یک مفهوم خاص سازمانی است و دلالت بر ناکارایی مدیریتی در سطح بنگاه، اداره یا سازمان دارد (Bailey, 2002). تمرکز زدایی را می‌توان به عنوان محدودیتی روی رفتار دولت‌های حداکثر کننده بودجه در نظر گرفت (Brennan & Buchanan, 1980). بنابراین تمرکز زدایی از ساختار دولت «ناکارایی X» در بخش عمومی را کاهش می‌دهد. در جدول (۲)، خلاصه‌ای از مباحث نظری در ارتباط با منافع تمرکز زدایی نشان داده شده است.

۴- مبانی نظری شناسایی هزینه‌های تمرکز زدایی

هزینه‌های تمرکز زدایی در دو گروه هزینه‌های ساختاری و هزینه‌های ناشی از سطح تمرکز زدایی طبقه بندی می‌شود.

۴-۱: هزینه‌های مرتبط با ساختار تمرکز زدایی

عدم انطباق ساختار تمرکز زدایی با ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه منجر به شکل‌گیری هزینه‌های خاصی در فرایند تمرکز زدایی تحت عنوان هزینه‌های ساختاری می‌گردد. به عبارت دیگر، منافع مورد انتظار حاصل از تمرکز زدایی در صورت فراهم نبودن شرایط لازم در جامعه می‌تواند خود به یک هزینه تبدیل گردد.

جدول (۲): خلاصه‌ای از مبانی نظری شناسایی منافع تمرکززدایی

توضیحات	کانال تأثیر گذاری	نوع منفعت	اثرات تمرکززدایی
تمرکززدایی باعث افزایش نقش شهروندان در تصمیم‌گیری، کاهش قدرت سیاسی گروه‌های همسود و افزایش رقابت میان دولت‌های محلی می‌شود.	افزایش کارایی از طریق مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی بیشتر مقامات محلی	گسترش حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	منافع تمرکززدایی
البته در صورت وجود قدرت انحصارگرایانه، ممکن است رشوه در سطح دولت مرکزی افزایش یابد.	افزایش پاسخ‌گویی مسئولین به مردم و کاهش سطح فساد و رشوه آنان	امکان کاهش رشوه و فساد مالی	
شناخت ماموران دولت مرکزی کمتر از دولت‌های محلی است. در نتیجه تمرکززدایی به متقارن کردن اطلاعات کمک می‌کند.	کاهش سطح نامتقارن بودن اطلاعات	افزایش سطح دستیابی به اطلاعات	
مقامات محلی همزمان با شناسایی دقیق‌تر نیازهای مردم، راهبردهایی جهت تقویت مشارکت آنان در ارائه خدمات اتخاذ می‌کنند.	شناسایی بهتر سلاقی و خواسته‌های مردم محلی	افزایش کیفیت در ارائه خدمات محلی	
تمرکززدایی یک فرآیند افزایش ظرفیت‌سازی در مناطق و افزایش بهره‌وری است.	ایجاد زمینه نوآوری و خلاقیت	افزایش بهره‌وری در سطح مناطق	
رقابت افقی و عمودی میان سطوح دولت به توزیع بودجه و محدود ساختن اندازه بخش عمومی می‌انجامد.	محدود کردن رفتار دولت‌های حداکثرکننده بودجه	کاهش ناکارایی X	

۲-۴: هزینه‌های مرتبط با سطح تمرکززدایی

این مساله مطرح می‌گردد که اختیارات تا چه اندازه باید به دولت‌های محلی واگذار گردد (ترکیب عقلایی از تمرکز و عدم تمرکز). افراط در سطح تمرکززدایی، هزینه‌هایی را تحت عنوان هزینه‌های سطح به دنبال دارد که عبارتند از:

- هزینه افزایش شکاف درآمدی

از آنجایی که فقر در مناطق ثروتمندتر آسان‌تر از مناطق محروم مرتفع می‌گردد در نتیجه کاهش شکاف درآمدی توسط دولت‌های محلی تلاش یکسانی را نمی‌طلبد. از سوی دیگر، اگر مناطق مختلف، سیاست‌های توزیع مجدد مشابهی را دنبال نمایند به سبب تفاوت‌های درآمدی در

میان مناطق می‌توان شاهد افزایش شکاف درآمدی بین مناطق بود.

- هزینه به خطر افتادن تثبیت کلان اقتصادی

از یک سو تأثیر سیاست‌های دولت محلی بر متغیرهای کلان اقتصادی به سبب ضعیف بودن برخی از دولت‌های محلی، بسیار ناچیز خواهد بود. از سوی دیگر، در میان دولت‌های محلی سیاست‌های تثبیت اقتصادی در حکم یک کالای عمومی ملی عمل می‌کند. در نتیجه دولت‌های محلی سعی دارند با استفاده از قاعده «سواری رایگان»^۱ از این کالای عمومی با پرداخت حداقل هزینه استفاده نمایند (Prud'homme, 1995).

- هزینه عدم هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی

در راستای رقابت انتخاباتی در حکومت‌های محلی، هزینه‌ها بلافاصله قبل از انتخابات محلی و مالیات‌ها بعد از انتخابات افزایش می‌یابند. این در حالی است که در این زمان دولت مرکزی هنوز در صدد حفظ سیاست‌های تثبیت اقتصادی است (Ebel and Yilmaz, 2001).

- هزینه شکست بازار

در تدارک کالاهای عمومی از یک سو به علت وجود اثرات سرریز^۲، هر یک از دولت‌های محلی سعی می‌کنند با استفاده از سواری رایگان از کالاهای عمومی مورد نظر با پرداخت حداقل هزینه استفاده نمایند. از سوی دیگر، دولت‌های محلی به سبب ضعف مالی و ریسک‌پذیری پایین‌تر، توان یا تمایل کافی در خصوص اجرای چنین پروژه‌هایی را ندارند.

۵- مبانی نظری شناسایی محدودیت‌های ساختاری و نهادی در کسب منافع حاصل از تمرکز زدایی

دستیابی به منافع اعمال سیاست تمرکز زدایی، مستلزم پذیرش این ساختار جدید در جامعه

1- Free Rider

2- Spillover Effects

است. بر این اساس در ادامه به عمده‌ترین محدودیت‌های ساختاری و نهادی در یک اقتصاد جهت پذیرش سیاست تمرکز زدایی اشاره می‌گردد.

جدول (۳): خلاصه‌ای از مبانی نظری شناسایی هزینه‌های سطح تمرکز زدایی

توضیحات	کانال تأثیر گذاری	نوع هزینه	اثرات تمرکز زدایی
احتمال افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای در اثر اجرای سیاست‌های توزیعی توسط دولت‌های محلی وجود دارد.	عدم موفقیت دولت‌های محلی در اجرای سیاست‌های توزیع	افزایش شکاف درآمدی	هزینه‌های تمرکز زدایی
هزینه‌های زیاد این سیاست‌ها در مقایسه با منافع اندک، انگیزه دولت‌های محلی را جهت اجرای آن کاهش می‌دهد.	عدم انگیزه و کنترل در سطح دولت‌های محلی برای اجرای سیاست‌های تثبیت	به خطر افتادن تثبیت کلان اقتصادی	
سیکل‌های سیاسی در دولت‌های محلی، می‌تواند سیاست‌های محلی را در مقابل سیاست‌های دولت مرکزی قرار دهد.	احتمال وجود تضاد میان سیاست‌های دولت‌های محلی و مرکزی	عدم هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی	
عموماً مخارجی که دارای فواید ملی باشد باید توسط دولت مرکزی هزینه گردد.	شکست در تدارک کالای عمومی ملی توسط دولت محلی	شکست بازار	

۱-۵: سطح توسعه سیاسی و نهادینه شدن دموکراسی

یکی از منافع تمرکز زدایی، بهبود تخصیص منابع است؛ ولی بحث مذکور بر مبنای فرضی استوار است که به ندرت در کشورهای در حال توسعه صادق است. یکی از این فرض آن است که مالیات دهندگان و رای دهندگان هر منطقه نیازها و اولویت‌های خود را از طریق آرای انتخاباتی بیان می‌دارند. اما این فرض در مورد کشورهای در حال توسعه به سبب ضعف در ساختار نهادهای دموکراتیک، حزبی و مدنی چندان صادق نخواهد بود (Prud'homme, 1995).

۲-۵: سطح تخصص نیروی کار

دیوان سالاری، ضعف دستگاه‌های اداری محلی، نبود انگیزه‌های کاری لازم و بعضاً عدم

صلاحیت افراد شاغل از خصوصیات کشورهای در حال توسعه است. از این رو عدم توجه به مساله شناخته سالاری در استخدام نیروی انسانی به عنوان یکی از محدودیت‌های موجود بر سر راه اجرای سیاست تمرکز زدایی به‌شمار می‌رود.

۳-۵: سلايق ناهمگن

وجود سلايق ناهمگن، یکی از پایه‌های تئوری تمرکز زدایی است. پایین بودن سطح درآمدهای منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه سبب همگن شدن ترجیحات افراد در مناطق مختلف می‌شود. در این حالت دولت مرکزی نیز می‌تواند اولویت‌ها و ترجیحات مردم ساکن در مناطق مختلف را برآورده سازد و کارایی سیاست تمرکز زدایی کاهش می‌یابد.

۴-۵: سطح اطلاعات نامتقارن

هر چه ساختارهای اقتصادی میان مناطق مختلف یک کشور متفاوت تر باشد اختلاف در میزان این اطلاعات در سطح محلی و مرکزی افزایش می‌یابد. در حالی که در کشورهای در حال توسعه که دارای اقتصاد تک محصولی هستند دولت مرکزی نیز می‌تواند سیاست‌های توسعه اقتصادی منطقه‌ای را بخوبی اعمال کند.

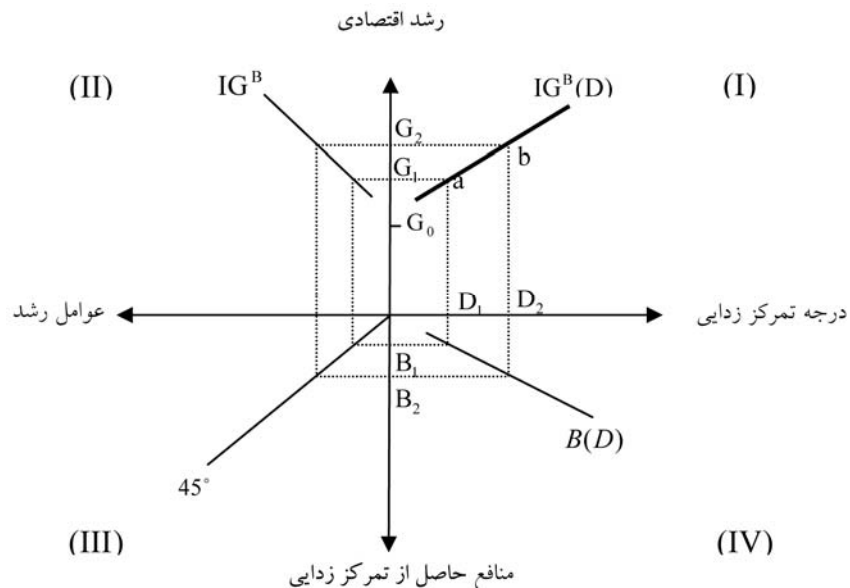
۶- تحلیل هندسی اثرات منافع، هزینه‌ها و محدودیت‌های تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

این بخش با ارایه یک تحلیل جدید هندسی (که برگرفته از نتایج تحقیق بوده و متعلق به نویسنده مقاله است)، تأثیر منافع و هزینه‌های تمرکز زدایی را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحلیل‌ها پایه‌های نظری مناسبی را جهت بسط الگوی ریاضی و مدل اقتصادسنجی مربوط به اثرات تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی فراهم می‌سازد.

۱-۶: تحلیل اثر منافع و هزینه‌های تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

در این مقاله، شاخص تمرکز زدایی به صورت نسبت اعتبارات در اختیار هر یک از دولت‌های محلی مستقر در هر منطقه به کل اعتبارات تخصیص یافته به آن منطقه تعریف می‌گردد. به منظور

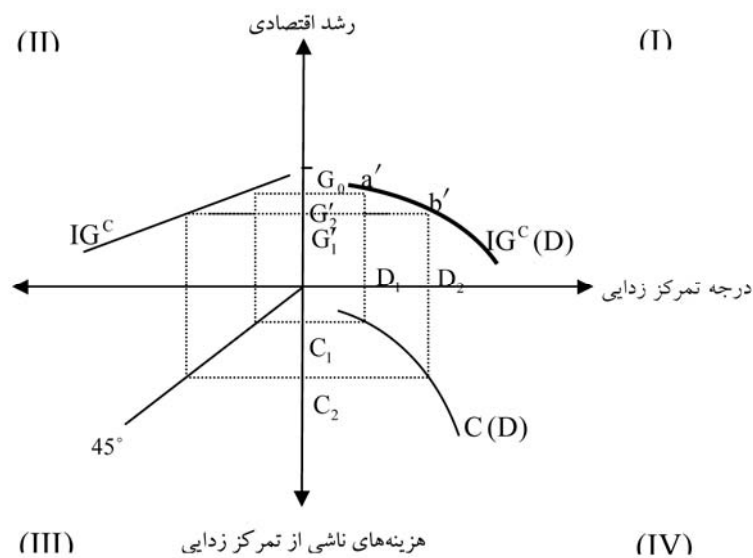
ساده سازی مدل ارایه شده، فرض بر خطی بودن رابطه میان منافع ناشی از اجرای سیاست تمرکز زدایی و درجه (سطح) تمرکز زدایی گذاشته می‌شود. بر اساس مجموعه مباحث فوق، فرض می‌شود در ابتدا میزان اختیارات واگذار شده به دولت‌های محلی که از طریق مقدار شاخص تمرکز زدایی بیان می‌شود برابر با D_1 باشد. میزان منافع مربوط به این سطح از تمرکز زدایی برابر با B_1 است که در ناحیه IV از شکل (۱) نشان داده شده است. از آنجایی که منافع ناشی از تمرکز زدایی از طریق کارایی و به صورت غیر مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند، از این رو می‌توان منافع تمرکز زدایی را به عنوان عوامل رشد در نظر گرفت. بنابراین با استفاده از خط 45° ، منافع به عوامل رشد تبدیل می‌شوند. بدین وسیله رشد اولیه اقتصاد - سطح G_0 به عنوان رشد اولیه در نظر گرفته شده است - تا سطح G_1 افزایش می‌یابد. در واقع به واسطه واگذاری اختیار تا سطح D_1 ، رشد اقتصادی به میزان $G_0 G_1$ حاصل می‌گردد. به طریق مشابه، نقطه b به دست آمده و منحنی $IG^B(D)$ - که خطی و صعودی است - استخراج می‌شود.



شکل (۱): تأثیر منافع تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

منبع: برگرفته از نتایج تحقیق

منحنی هزینه‌های ناشی از اجرای سیاست تمرکز زدایی در ناحیه IV از شکل (۲) نشان داده شده است. با توجه به این که هزینه‌های سطح تمرکز زدایی با افزایش سطح تمرکز زدایی به صورت فزاینده افزایش می‌یابد، لذا منحنی هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی از حالت غیر خطی برخوردار خواهد بود. بر این اساس اگر درجه (مقدار شاخص) تمرکز زدایی در شکل (۲)، ابتدا معادل D_1 باشد هزینه‌های ناشی از این سطح از واگذاری اختیارات به دولت‌های محلی برابر با C_1 خواهد بود. بدیهی است که با افزایش درجه تمرکز زدایی به D_2 ، هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی به صورت فزاینده افزایش یافته و به مقدار C_2 خواهد رسید. با استفاده از خط 45° ، هزینه‌ها به موانع رشد تبدیل می‌شوند (منحنی IG^C) و موانع رشد، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

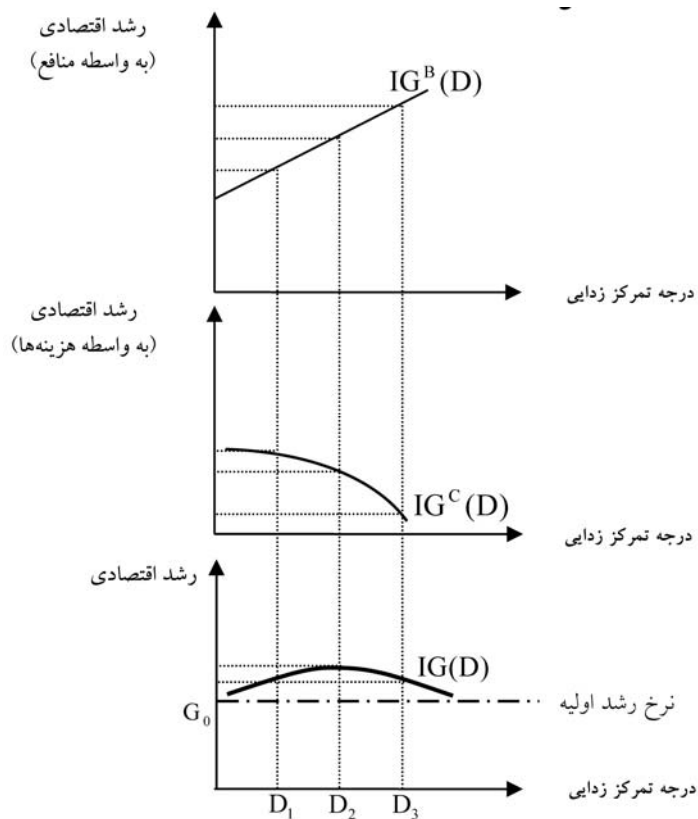


شکل (۲): تأثیر هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

منبع: برگرفته از نتایج تحقیق

به این ترتیب به ازای دو سطح متفاوت از تمرکز زدایی، دو نقطه a' و b' حاصل می‌گردد که از اتصال این دو نقطه، منحنی $IG^C(D)$ به دست می‌آید. این منحنی، تأثیر هزینه‌های تمرکز زدایی را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد و به علت ماهیت وجودی هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی از حالت غیر خطی برخوردار است. از جمع کردن دو منحنی $IG^C(D)$ و $IG^B(D)$ در

شکل‌های (۱) و (۲) می‌توان به کل اثرات ناشی از اجرای سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی - منحنی $IG(D)$ - در شکل (۳) دست یافت.



شکل (۳): کل اثرات تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

منبع: برگرفته از نتایج تحقیق

وضعیت منحنی $IG(D)$ نشان می‌دهد در سطوح بسیار پایین تمرکز زدایی، انگیزه مقامات محلی در هزینه نمودن کارای بودجه بخش عمومی، پایین است. از این رو در سطوح پایین تمرکز زدایی، تأثیر واگذاری اختیارات به دولت‌های محلی بر رشد اقتصادی ناچیز است و هرچه درجه تمرکز زدایی افزایش می‌یابد تأثیر آن بر رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. اما اگر سطح (درجه) تمرکز زدایی بیش از حد زیاد شود وجود هزینه‌های سطح (به همراه سایر هزینه‌ها) باعث می‌شود

مجدداً از تأثیر تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی کاسته شود. به عبارت دیگر، نمودار IG(D) بصورت یک نمودار کوهانی شکل در می‌آید.

۷- بسط الگوی ریاضی تأثیر تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

بر اساس تحلیل‌های هندسی بیان شده در بخش قبل، می‌توان الگوی ریاضی تأثیر اجرای سیاست تمرکز زدایی را بر رشد اقتصادی به دست آورد. به این منظور، همانند بخش قبل، فرض می‌شود با تغییر سطح تمرکز زدایی، منافع حاصل از تمرکز زدایی به صورت خطی تغییر می‌یابد. این در حالی است که هزینه‌ها به صورت غیر خطی و فزاینده افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، خواهیم داشت:

$$B = h(D) = \gamma_0 + \gamma_1 \cdot D \quad \gamma_0 = 0 \quad (1)$$

که در آن B منافع حاصل از اجرای سیاست تمرکز زدایی و D درجه (سطح تمرکز زدایی) بوده و نیز γ_0 و γ_1 پارامتر هستند. از سوی دیگر، هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی به صورت رابطه (۲) است:

$$C = P(D^2) = \rho_0 + \rho_1 \cdot D + \rho_2 \cdot D^2 \quad \rho_0 = 0 \quad (2)$$

که در آن C هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی بوده که تابع درجه دوم از شاخص تمرکز زدایی است و ρ_0 ، ρ_1 و ρ_2 پارامتر هستند.

افزون بر این، منافع مورد انتظار ناشی از اجرای سیاست تمرکز زدایی در مناطق مختلف، بسته به وجود محدودیت‌های نهادی و ساختاری در آن منطقه تغییر خواهد کرد. بنابراین، محدودیت‌های نهادی و ساختاری بر نتایج حاصل از اجرای سیاست واگذاری اختیارات به دولت‌های محلی موثر خواهند بود. در حقیقت، محدودیت‌های مذکور بر ضریب شاخص تمرکز زدایی در رابطه (۱) تأثیر می‌گذارد. همین امر باعث پدید آمدن حالت کوهانی در منحنی اثرات کل تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی خواهد شد. بنابراین ضریب γ_1 در معادله (۱) تابعی از سطح محدودیت‌هاست؛ به گونه‌ای که هر چه میزان محدودیت‌های بر سر راه اجرای سیاست تمرکز زدایی افزایش می‌یابد انتظار می‌رود که از میزان منافع ناشی از هر سطح تمرکز زدایی کاسته شود و بر عکس. از این رو خواهیم داشت:

$$\gamma_1 = K(L) = \mu_0 + \mu_1 \cdot L \quad , \quad \mu_1 > 0 \quad (۳)$$

که در آن L بردار اصلاح در محدودیت‌هاست. محدودیت‌ها نیز شامل محدودیت‌های نهادی و ساختاری است که در بخش ۵ به آن اشاره شد. این محدودیت‌ها به عنوان موانعی در کسب منافع ناشی از تمرکز زدایی به شمار می‌روند. بنابراین اصلاح و رفع این محدودیت‌ها، منافع ناشی از تمرکز زدایی را حاصل می‌سازد. بنابراین، منافع و هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو خواهیم داشت:

$$g = f(B, C, X) = \alpha_0 + \alpha_1 \cdot B + \alpha_2 \cdot C + \alpha_3 \cdot X \quad (۴)$$

که در آن g نرخ رشد اقتصادی بوده و X بردار سایر متغیرهای تأثیر گذار بر رشد اقتصادی است.

با جایگذاری روابط (۱) و (۲) در رابطه (۴) خواهیم داشت:

$$g = \alpha_0 + \alpha_1(\gamma_0 + \gamma_1 D) + \alpha_2(\rho_0 + \rho_1 D + \rho_2 D^2) + \alpha_3 X \quad (۵)$$

با فرض آنکه $\alpha_0 + \alpha_1 \cdot \gamma_0 + \alpha_2 \cdot \rho_0 = \lambda_0$ باشد و نیز با جایگذاری رابطه (۳) در رابطه (۵) خواهیم داشت:

$$g = \lambda_0 + \alpha_1 \cdot \mu_0 \cdot D + \alpha_1 \cdot \mu_1 \cdot D \cdot L + \alpha_2 \cdot \rho_1 \cdot D + \alpha_2 \cdot \rho_2 \cdot D^2 + \alpha_3 \cdot X \quad (۶)$$

با فرض آنکه $\alpha_2 \cdot \rho_1 + \alpha_1 \cdot \mu_0 = \lambda_1$ و $\alpha_1 \cdot \mu_1 = \lambda_2$ و $\alpha_2 \cdot \rho_2 = \lambda_3$ باشد بنابراین خواهیم داشت:

$$g = \lambda_0 + \lambda_1 \cdot D + \lambda_2 \cdot L \cdot D + \lambda_3 \cdot D^2 + \alpha_3 \cdot X \quad (۷)$$

با توجه به رابطه (۷)، نرخ رشد اقتصادی به صورت غیر خطی با شاخص تمرکز زدایی ارتباط دارد. همچنین علاوه بر تأثیر مستقیم تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی، حاصل ضرب بردار اصلاح در محدودیت‌ها و سطح تمرکز زدایی بر میزان رشد اقتصادی مناطق مختلف نیز به صورت غیرمستقیم - و به واسطه منافع و هزینه‌های ناشی از تمرکز زدایی - موثر خواهد بود.

در بخش بعد بر اساس الگوی ریاضی استخراج شده در این بخش و با محاسبه شاخص‌های مناسب - که با مبانی نظری تمرکز زدایی سازگار باشند - الگوی اقتصاد سنجی مورد نظر طراحی می‌گردد. با تخمین این الگو، تأثیر اعمال سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی در فاصله سال‌های برنامه سوم توسعه کشور برآورد می‌شود.

۸- بسط الگوی اقتصاد سنجی تأثیر تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی

بر اساس الگوی ریاضی معرفی شده در بخش قبل، می‌توان یک مدل اقتصاد سنجی جهت برآورد اثرات واگذاری اختیارات به دولت‌های محلی بر رشد اقتصادی کشور معرفی نمود. این مدل برگرفته از مبانی نظری تمرکز زدایی است که البته در این مقاله بر اساس شرایط خاص کشورهای در حال توسعه و بالاخص ویژگی‌های شناخته شده در ایران بومی می‌گردد. بر این اساس مدل (۸) را می‌توان معرفی نمود:

$$gg_{it} = \beta_0 + \beta_1 \cdot DC_{it} + \beta_2 \cdot DC_{it}^2 + \beta_3 \cdot HL_{it} DC_{it} + \beta_4 \cdot DEM_{it} DC_{it} + \beta_5 \cdot AI_{it} DC_{it} + \beta_6 \cdot HE_{it} DC_{it} + \beta_7 \cdot X + \varepsilon_{it} \quad (8)$$

$$\forall i = 1, 2, 3, \dots, I, \quad t = 1, 2, 3, \dots, T$$

که در آن gg_{it} نرخ رشد اقتصادی در استان i ام در سال t ام و DC_{it} سطح تمرکز زدایی در استان i ام در سال t ام می‌باشد. همچنین، HL_{it} سطح تخصص نیروی انسانی و DEM_{it} نشان دهنده سطح دموکراسی است.

از سوی دیگر، AI_{it} سطح اطلاعات نامتقارن بوده و HE_{it} نشان دهنده سطح ناهمگنی است. X نیز بردار سایر متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی است. همچنین I تعداد استان‌ها و T نشانگر تعداد سال‌ها است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد این مدل مبتنی بر الگوی ریاضی ارایه شده در بخش قبل و تابعی از سطح تمرکز زدایی - به صورت درجه یک و درجه دو- و نیز حاصل ضرب سطح تمرکز زدایی در بردار اصلاح در محدودیت‌ها است. بردار اصلاح در محدودیت‌ها نیز بر اساس چهار شاخص سطح تخصص نیروی انسانی، سطح دموکراسی، سطح اطلاعات نامتقارن و سطح ناهمگنی در سلايق ارایه گردیده است. بر این اساس در ادامه به معرفی شاخص‌های به کار گرفته شده در مورد هر یک از متغیرهای مدل پرداخته می‌شود.

- سطح تخصص نیروی انسانی

در این مقاله، شاخص سطح نیروی انسانی متخصص به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$HL_{it} = \frac{EL_{it}}{L_{it}} \quad (9)$$

که در آن HL_{it} سطح تخصص نیروی انسانی در استان i ام در سال t ام است و EL_{it} نشانگر جمعیت تحصیل کرده (دارای مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم) است. همچنین L_{it} کل جمعیت در هر استان را نشان می‌دهد.

- سطح اطلاعات نامتقارن

متغیر سطح اطلاعات نامتقارن را می‌توان از جهت میزان اختلاف در ویژگی‌های اقتصادی هر منطقه نسبت به میانگین کشوری آن برآورد نمود که به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$AI_{it} = \frac{\sum_{n=1}^N \left(\frac{V_{it}^n}{\sum_{n=1}^N V_{it}^n} - \bar{V}_t^n \right)^2}{N} \quad (10)$$

که در آن AI_{it} نشان دهنده سطح اطلاعات نامتقارن در استان i ام در سال t ام بوده و V_{it}^n ارزش افزوده بخش n ام در استان i ام در سال t ام را نشان می‌دهد. همچنین $\sum_{n=1}^N V_{it}^n$ تولید ناخالص استان i ام در سال t ام (مجموع ارزش افزوده‌های بخش‌های مختلف استان i ام در سال t ام) است و \bar{V}_t^n متوسط سهم ارزش افزوده بخش n ام در کل GDP کشور را برای سال t ام نشان می‌دهد. N نیز نشانگر تعداد بخش‌های اقتصادی مورد نظر در هر استان است. اگر واریانس محاسبه شده فوق در استانی بزرگ باشد نشان دهنده اختلاف زیاد سهم ارزش افزوده‌های بخش‌های مختلف آن استان نسبت به میانگین کشوری و در نتیجه سطح بالای نامتقارن بودن اطلاعات است.

- سطح ناهمگنی سلايق

بر اساس نظریه مطلوبیت متری پولی، سطح مخارج مصرف کنندگان در کالاهای مختلف، نشان دهنده سطح سلايق آنها در هر یک از مناطق است. در نتیجه در این مقاله، شاخص ناهمگنی سلايق به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$HE_{it} = \frac{\sum_{g=1}^G \left(\frac{X_{it}^g}{\sum_{g=1}^G X_{it}^g} - \bar{X}_t^g \right)^2}{G} \quad (11)$$

که در آن HE_{it} سطح ناهمگنی سلايق در استان i ام و برای سال t ام بوده و X_{it}^g هزینه صورت گرفته توسط خانوارهای نمونه روی گروه کالایی g ام را نشان می‌دهد. جزء اول صورت کسر در داخل پراتز نیز نشان دهنده سهم هزینه گروه کالایی g ام به کل هزینه‌هاست. همچنین \bar{X}_t^g متوسط سهم هزینه‌های صورت گرفته توسط خانوارهای نمونه روی گروه کالایی g ام و G تعداد گروه کالایی در نظر گرفته شده در ساختار هزینه‌ای (بودجه) خانوارها است. با استفاده از محاسبه واریانس فوق می‌توان نشان داد تا چه میزان ساختار مصرفی خانوارها در استان‌های مختلف از متوسط کشوری اختلاف دارد. شاخص مذکور برای ۲۸ استان کشور، طی سال‌های برنامه سوم توسعه محاسبه گردیده است.

- سطح دموکراسی

متاسفانه اطلاعات مناسبی در زمینه سطح دموکراسی در استان‌های مختلف کشور در دسترس نیست؛ لذا به منظور برآورد سطح دموکراسی در استان‌های مختلف از مقدار «شاخص دموکراسی در سطح کل کشور» استفاده شده است. سپس با استفاده از معیارهای مناسبی، شاخص مذکور به سطح دموکراسی در استان‌های مختلف مربوط می‌گردد. برای اندازه‌گیری شاخص سطح دموکراسی در کل کشور از یکی از اجزای شاخص حکمرانی خوب، یعنی شاخص «حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی»^۱ که توسط کافمن و همکارانش (۲۰۰۵)^۲ محاسبه شده استفاده گردیده است. از سوی دیگر، هر چه تعداد افراد تحصیل کرده در یک منطقه بیشتر باشد این افراد از رسانه‌ها- بویژه روزنامه‌ها- بیشتر استفاده می‌نمایند و در نتیجه سطح اطلاعات آن‌ها از رفتار مقامات محلی و میزان

1- Voice and Accountability

2- Kaufmann et al. (2005)

شناخت آن‌ها از حقوق اجتماعی و سیاسی خودشان افزایش می‌یابد. از این رو این شاخص می‌تواند به عنوان مکمل شاخص دموکراسی مطرح شود:

$$DEM_{it} = DEM_t \cdot \left(\frac{HP_{it}}{P_{it}} \right) \quad (12)$$

که در آن DEM_{it} سطح دموکراسی در استان i ام در سال t ام بوده و HP_{it} نشانگر جمعیت باسواد است. همچنین P_{it} کل جمعیت استان و DEM_t نیز سطح دموکراسی در کل کشور و برای سال t ام می‌باشد. شاخص داخل پرانتز با استفاده از اطلاعات نمونه‌گیری اشتغال-یکباری خانوارها در سال‌های برنامه سوم و برای ۲۸ استان محاسبه گردیده است.

- نرخ رشد اقتصادی

به طور کلی جهت محاسبه نرخ رشد اقتصادی در سطح استان‌های مختلف کشور از اطلاعات موجود در حساب‌های تولید استانی طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) برای ۲۸ استان کشور استفاده شده است.

- شاخص تمرکز زدایی مالی

در ایران اعمال سیاست تمرکز زدایی از جنبه درآمدی با محدودیت‌هایی روبرو است؛ زیرا درآمدهای کشور تا حد زیادی وابسته به درآمد نفت است. از این رو شاخص تمرکز زدایی مالی از لحاظ درآمدی معیار مناسبی برای ارزیابی عملکرد این سیاست در ایران نیست. لذا در این مقاله از شاخص تمرکز زدایی مالی از جنبه مخارج جهت برآورد مدل اقتصادسنجی ارایه شده، استفاده می‌گردد که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$DC_{it} = \frac{B_{it}^{LG}}{B_{it}} \quad (13)$$

$$B_{it} = B_{it}^{LG} + B_{it}^{CG} \quad (14)$$

که در آن DC_{it} نشانگر شاخص تمرکز زدایی برای استان i ام در سال t ام بوده و B_{it}^{LG} آن قسمت از بودجه استان i ام در سال t ام را نشان می‌دهد که اختیار هزینه آن به خود استان واگذار شده است. همچنین B_{it}^{CG} آن قسمت از بودجه هر استان است که توسط دولت مرکزی در آن

استان هزینه می‌گردد. B_{it} نیز کل بودجه استان i ام در سال t ام است. بنابراین بخشی از بودجه که در هر استان هزینه می‌گردد استانی (B_{it}^{LG}) و بخشی دیگر ملی (B_{it}^{CG}) است. در این مقاله جهت محاسبه شاخص تمرکز زدایی از جنبه مخارج براساس مستندات برنامه سوم توسعه- که در آن توجه خاصی به موضوع تمرکز زدایی معطوف شده است- از اعتبارات عمرانی استانی برای محاسبه B_{it}^{LG} و از اعتبارات ملی در هر استان برای جزء B_{it}^{CG} استفاده می‌گردد. برای بالا بردن دقت در محاسبه این شاخص از میزان عملکرد اعتبارات عمرانی استانی و ملی به جای مبلغ مصوب آن استفاده گردیده است.

بر اساس مجموعه مباحث فوق، شاخص محاسبه شده برای دو دسته از استان‌ها که به ترتیب از بالاترین و پایین‌ترین میزان شاخص تمرکز زدایی محاسبه شده در این مقاله برخوردارند در دو سال ابتدایی و انتهایی برنامه سوم در جدول (۴) ارائه شده است. با مشاهده ارقام محاسبه شده در جدول مشخص می‌گردد که در اغلب موارد، استان‌های کوچک‌تر که دارای اقتصاد ضعیف‌تری نیز هستند در سال‌های ابتدایی و پایانی برنامه از سطح تمرکز زدایی بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ به گونه‌ای که استان‌هایی همچون کهگیلویه و بویراحمد و لرستان در سال ۱۳۷۹ علیرغم سطح توسعه اقتصادی پایین‌تر- در مقایسه با استان‌های برخوردار- از سطح بالای تمرکز زدایی برخوردار بوده‌اند. همچنین استان‌هایی نظیر گلستان، کردستان و کرمانشاه با وضعیت مشابهی در سال ۱۳۸۳ مواجه بوده‌اند. با بررسی شاخص مذکور در جدول (۴) این واقعیت آشکار می‌شود که در سال انتهایی برنامه نسبت به سال ابتدایی آن، سطح تمرکز زدایی در همه استان‌های کشور از رشد برخوردار بوده است. به گونه‌ای که دامنه مقادیر شاخص برای بالاترین و پایین‌ترین رتبه تمرکز زدایی در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. همین وضعیت در مورد میزان شاخص تمرکز زدایی برای کل کشور نیز برقرار است به گونه‌ای که میزان شاخص مذکور از ۷/۶۱ در سال ۱۳۷۹ به ۱۳/۳۶ در سال ۱۳۸۳ رسیده و در فاصله این سال‌ها میزان شاخص حدوداً دو برابر شده است.

از این گذشته بر اساس اطلاعات جدول، دو استان بزرگ کشور- تهران و اصفهان- که به‌طور نسبی و در مقایسه با استان‌های دیگر دارای سطح توسعه اقتصادی بالاتری هستند، در سال ۱۳۷۹ در گروه استان‌هایی قرار گرفته‌اند که از پایین‌ترین سطح تمرکز زدایی برخوردار بوده‌اند. همین وضعیت در سال ۱۳۸۳ نیز به چشم می‌خورد. در این سال دو استان فارس و تهران به لحاظ دارا

بودن سطح تمرکز زدایی به ترتیب رتبه‌های ۲۶ و ۲۷ را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۴): شاخص تمرکز زدایی و رتبه استان‌ها از لحاظ میزان این شاخص در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳

سال ۱۳۸۳			سال ۱۳۷۹		
رتبه	مقدار شاخص (درصد)	استان	رتبه	مقدار شاخص (درصد)	استان
1	39/88	گلستان	1	21/68	کهگیلویه و بویراحمد
2	38/08	کردستان	2	21/13	همدان
3	37/22	کرمانشاه	3	18/65	زنجان
4	32/39	همدان	4	16/68	لرستان
5	32/03	قزوین	5	16/51	گلستان
6	29/25	قم	6	15/97	چهارمحال و بختیاری
...
23	12/92	یزد	23	6/66	اصفهان
24	10/49	هرمزگان	24	5/70	یزد
25	10/18	خوزستان	25	4/81	هرمزگان
26	8/29	فارس	26	4/13	تهران
27	6/89	تهران	27	2/74	بوشهر
28	4/37	بوشهر	28	2/70	خوزستان
---	13/36	کل کشور	---	7/61	کل کشور

منبع: محاسبات محقق

با توجه به مقدار شاخص تمرکز زدایی محاسبه شده در این مقاله، می‌توان به نتیجه قابل توجهی دست یافت؛ به نظر می‌رسد سیاست تمرکز زدایی در ایران با تئوری‌های موجود در مبانی نظری تمرکز زدایی سازگار نبوده است. بر اساس تحلیل‌های انجام گرفته، استان‌هایی که با محدودیت‌های ساختاری کمتری مواجه هستند از قابلیت بیشتری جهت استفاده از منافع اجرای سیاست تمرکز زدایی برخوردارند. در حالی که استان‌هایی همچون تهران، اصفهان و فارس که با محدودیت‌های نهادی - ساختاری کمتری جهت اجرای سیاست تمرکز زدایی مواجه هستند طی سال‌های برنامه سوم از سطح اختیارات پایین‌تری نسبت به سایر استان‌ها برخوردار گردیده‌اند. از سوی دیگر با توجه به شاخص‌های در نظر گرفته شده در این مقاله، استان‌هایی که با محدودیت‌های

بیشتری مواجه بوده‌اند- نظیر چهارمحال و بختیاری- دارای اختیارات واگذار شده بیشتری در رابطه با میزان اعتبارات تخصیص یافته بوده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد دولت در اعمال سیاست تمرکز زدایی در کشور در جهت مخالف با تئوری‌های موجود در این زمینه حرکت کرده است. اگرچه سیاست دولت در این ارتباط به منظور پر کردن شکاف میان استان‌های محروم و برخوردار بوده است. از این رو، توجه دولت به محرومیت زدایی در برخی از مناطق کشور باعث شده است تا عملاً اجرای صحیح سیاست تمرکز زدایی به فراموشی سپرده شود. از این رو، اعمال سیاست مذکور در سال‌های اخیر نتوانسته است اثرات مورد انتظار را بر رشد اقتصادی داشته باشد. چه بسا پس از پر شدن شکاف مورد نظر، ممکن است دولت در پی اجرای سیاست تمرکز زدایی مطابق با مبانی نظری حرکت کند. بنابراین پس از تحقق این امر می‌توان شاهد تأثیر بیشتر سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی بود.

۸-۱: تصریح مدل اقتصاد سنجی

بر اساس مجموعه شاخص‌های معرفی شده در بخش قبل، مدل اقتصاد سنجی ارایه شده در رابطه (۸) با توجه به اطلاعات موجود در ایران قابل برآورد است. اما با توجه به برخی از ویژگی‌های اقتصادی کشور می‌توان تعدیلاتی را در الگوی مورد نظر جهت تصریح آن در ایران انجام داد. این تعدیلات شامل سه قسمت می‌گردد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که کلیه داده‌های مورد استفاده در ارتباط با حساب‌های تولید استانی به قیمت‌های ثابت در نظر گرفته شده است.

- حذف اثرات ملی

به طور کلی عدم رشد اقتصادهای منطقه‌ای در ایران باعث شده رشد اقتصادی استان‌های مختلف به شدت از عوامل رشد ملی تأثیر پذیرد. در حقیقت، رشد اقتصادهای منطقه‌ای در ایران به شدت وابسته به رشد اقتصاد ملی بوده است. علت ساختاری این مساله در وابسته بودن رشد اقتصادی کشور به نفت است. رشد اقتصاد ملی به سبب وابستگی شدید به درآمد نفت، اغلب از

نوسانات قیمت نفت تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر بر اساس تئوری انتقال-سهم^۱، رشد اقتصادی یک منطقه را می‌توان به اثرات ملی و اثرات منطقه‌ای تقسیم نمود. بر این اساس می‌توان سهم اثرات ملی را از رشد اقتصادی یک منطقه (بردار X) حذف نمود. البته باید توجه داشت که در این صورت باید از اختلاف رشد اقتصادی هر منطقه از رشد اقتصادی کل کشور به عنوان متغیر وابسته استفاده نمود. طبیعی است با انجام این کار، می‌توان برآورد دقیق‌تری را از اثرات اجرای سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی استان‌های مختلف به دست آورد.

- عدم وجود اثرات مستقیم

اجرای سیاست تمرکز زدایی علاوه بر اثرات غیر مستقیم خود، می‌تواند اثرات مستقیمی را نیز به صورت پویا بر رشد اقتصادی داشته باشد. اما اثرات مستقیم در حالت انباشت تمرکز زدایی و به صورت پویا به وجود می‌آیند. در حقیقت، شکل‌گیری این اثرات، مستلزم تجربه بلند مدت اجرای سیاست تمرکز زدایی در یک کشور است تا بدین وسیله بتوان از اثرات انباشت اجرای این سیاست بهره برد. با توجه به تجربه نسبتاً کم و بعضاً ناموفق در اجرا انتظار می‌رود که هنوز انباشت لازم جهت تحقق اثرات مستقیم تمرکز زدایی در ایران به وجود نیامده باشد. علاوه بر این، نتایج تخمین مدل نیز حاکی از معنی داری بسیار پایین ضریب متغیر DC - در حالت درجه یک که به نوعی اثرات مستقیم را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد - است که خود شاهدی بر این ادعاست؛ از این رو با تکیه بر مبانی نظری و با توجه به بی‌معنی بودن ضریب DC در مدل تخمین زده شده، متغیر DC - در حالت درجه یک که به نوعی نشان دهنده اثرات مستقیم تمرکز زدایی بر رشد بود - از مدل حذف می‌گردد.

- استفاده از متغیر مجازی

از آنجایی که از سال ۱۳۸۱ به بعد، اختیارات واگذار شده به استان‌ها در قوانین بودجه‌ای تغییر

یافته است،^۱ می‌توان از متغیرهای مجازی سال ۱۳۸۱ جهت مشخص نمودن اثرات تحولات انجام گرفته در قوانین بودجه‌ای استفاده نمود. در این سال برخی از اختیارات برنامه‌ریزی بخشی نیز به استان‌ها واگذار گردیده است. بر این اساس، مدل زیر جهت بررسی اثر تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی در طول برنامه سوم توسعه به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$Dgg_{it} = \beta_0 + \beta_1 \cdot DC_{it}^2 + \beta_2 \cdot HL_{it} DC_{it} + \beta_3 \cdot DEM_{it} DC_{it} + \beta_4 \cdot AI_{it} DC_{it} + \beta_5 \cdot HE_{it} DC_{it} + \beta_6 \cdot DUM_{it} + \varepsilon_{it} \quad (15)$$

که در آن متغیر DUM_{it} برای سال‌های قبل از ۱۳۸۱ برای همه استان‌های کشور معادل صفر و برای سال ۸۳-۱۳۸۱ برای همه استان‌ها معادل یک است. همان‌گونه که در رابطه (۱۵) ملاحظه می‌گردد متغیر وابسته، اختلاف نرخ رشد اقتصادی استان i از رشد اقتصاد ملی در سال t است. از سوی دیگر، همه متغیرهای مستقل به صورت نسبت تعریف شده‌اند. از این رو مدل اقتصادسنجی جهت تخمین تأثیر اعمال سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی به صورت مناسبی تصریح شده است.

- بررسی ایستایی متغیرها

در این مقاله جهت جلوگیری از بوجود آمدن رگرسیون ساختگی از آزمون ایستایی پانل^۲ برای متغیرهای مدل استفاده می‌شود. در تعیین ایستایی متغیرها در روش داده‌های پانل، آزمون‌های متفاوتی وجود دارد. در این مقاله، جهت بررسی ایستایی متغیرهای مدل از آزمون ایم-پسران و شین (IPS)^۳ استفاده شده است. زیرا این آزمون در مقایسه با آزمون‌های دیگری همچون آزمون لوین، لین و چو^۴ و نیز آزمون هریس و زاوالیس^۵ دارای محدودیت‌های کمتری است.

۱- بر اساس مستندات قانون بودجه سال ۱۳۸۱، کاهش یا افزایش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بین فصول در هر استان حداکثر تا ۲۰ درصد هر فصل با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یا دستگاه‌های ذیربط و تصویب شورای برنامه‌ریزی استان مجاز است (Planning and Management Organization, 2002).

2- Panel Unit Root

3- Im, Pesaran and Shin

4- Levin, Lin and Chu

5- Harris and Tzavalis

در آزمون *IPS* فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در مقابل فرضیه دیگر (H_1) مبنی بر عدم وجود ریشه واحد آزمون می‌گردد.

نتایج حاصل از این آزمون در حالت داده‌های مقطعی دارای مقدار ثابت و متغیر روند در جدول (۵) آورده شده است. نتایج آزمون، تلویحاً حاکی از روند قطعی بودن متغیرهای مورد بررسی دارد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود متغیرهای *Dgg*، *AIDC*، *HLDC*، *DC* و *DEMDC* با اطمینان ۹۹ درصد در سطح پایا هستند. زیرا به احتمال ۹۹ درصد، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را در ارتباط با متغیرهای مذکور نمی‌توان پذیرفت. بر این اساس آزمون ایم، پسران و شین نشان می‌دهد همه متغیرهای مدل در سطح پایا هستند.

جدول (۵): نتایج آزمون *IPS* با مقدار ثابت و روند برای متغیرهای مورد استفاده در مدل

نام متغیر	Dgg	DC	AIDC	HLDC	DEMDC
t- Student	-18.24	-2.12	-11.28	-6.55	-2.23
احتمال	0.0000	0.0169	0.0000	0.0000	0.0128

منبع: محاسبات محقق

- انتخاب روش برآورد مدل

همچنین، جهت انتخاب روش برآورد مدل، نتایج حاصل از داده‌های تلفیقی^۱ و داده‌های پانل با استفاده از آزمون *F* مقایسه می‌گردد. این آزمون بر اساس فرضیه برابری اثرات انفرادی^۲ شکل گرفته است. بدین ترتیب می‌توان مشخص نمود که آیا روش داده‌های پانل برای برآورد مدل مورد نظر کارآمدتر است یا باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده نمود. آماره *F* به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(R_u^2 - R_p^2)/(n-1)}{(1 - R_u^2)/(nt-n-k)} \quad (16)$$

که در آن R_u^2 معرف ضریب تعیین مدل محدود نشده (روش داده‌ای پانل) و R_p^2 معرف

1- Pooling

2- Individual Effects

ضریب تعیین مدل محدود شده (همگن بودن واحدهای انفرادی^۱ و یا به عبارت دیگر، برابر بودن اثرات انفرادی در روش داده‌های تلفیقی) است. n نیز تعداد مقاطع (در این مقاله تعداد استان‌های نمونه)، t تعداد سال‌ها و k نیز تعداد متغیرهای مستقل می‌باشد.

در نتیجه جهت محاسبه آماره F یکبار مدل به روش داده‌های تلفیقی تخمین زده شد که ضریب تعیین مدل برابر با $0/28$ به دست آمد. بر این اساس، آماره F محاسبه شده به صورت زیر است (Hsiao, 1986):

$$F(0.01, 27, 163) = \frac{(0.53 - .28)/27}{(1 - 0.53)/(140 - 28 - 5)} = 2.1$$

در صورتی که آماره F جدول در سطح 99% درصد اطمینان با درجه آزادی 27 و 107 برابر با $1/9$ است. بنابراین با توجه به اینکه آماره F محاسبه شده از آماره F جدول بزرگ‌تر است، با 99% درصد اطمینان نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن و همگن بودن اثرات انفرادی را پذیرفت. از این رو باید عرض مبدهای مختلفی را برای مقاطع در نظر گرفته و از روش داده‌های پانل استفاده نمود.

با توجه به مدل تصریح شده در رابطه (۱۵)، در قسمت بعد، نتایج حاصل از تخمین مدل به روش داده‌های پانل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۸- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج تخمین

مدل تصریح شده در رابطه (۱۵) با استفاده از نرم افزار Eviews7 و روش داده‌های پانل برای سال‌های $1379-83$ تخمین زده شده است. بر اساس نتایج تخمین، متغیر اثر متقاطع ناهمگنی سلاقی و شاخص تمرکز زدایی (HE·DC) از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده، از این رو از مدل نهایی حذف گردید. سطح توسعه اقتصادی بر میزان ناهمگنی سلاقی میان مناطق مختلف تأثیر گذار است؛ به گونه‌ای که هرچه سطح توسعه در مناطق مختلف کشور افزایش می‌یابد، مردم ساکن در آن مناطق از اولویت‌ها و ترجیحات ناهمگن تری نسبت به یکدیگر برخوردار خواهند بود. با برآورده شدن نیازهای اساسی مردم در برخی مناطق، ساختار ترجیحات آنان متفاوت خواهد شد.

در ایران سطح توسعه اقتصادی و در نتیجه عدم برآورده شدن نیازهای اساسی مردم در استان‌های مختلف باعث شده تا ترجیحات و اولویت‌های مردم در میان مناطق مختلف کشور از یک ساختار همگن تری برخوردار گردد. در نتیجه، این موضوع معنی داری متغیر مذکور را در اقتصاد ایران تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به ساختار اقتصادی ایران، مدل نهایی با حذف متغیر مذکور و بر اساس روش داده‌های پانل تخمین زده شده که نتایج آن در جدول (۶) نشان داده شده است. روش داده‌های پانل مشتمل بر دو دسته تخمین اثرات ثابت^۱ و اثرات تصادفی^۲ است. جهت انتخاب مدل اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن^۳ استفاده می‌شود. هر چند که یک معیار تجربی نیز جهت انتخاب دو دسته تخمین اثرات ثابت و تصادفی وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرگاه دوره زمانی کوچک و تعداد واحدهای مقطعی - به عنوان مثال استان‌های کشور - بزرگ باشد مدل اثرات ثابت تصریح مناسب‌تری خواهد بود (Hsiao (1986)).

جدول (۶): نتایج تخمین مدل به روش اثرات ثابت (FE) (متغیر وابسته: Dgg_{it})

نام متغیر	ضریب تخمین زده شده	انحراف معیار	آماره t-Student
DC ²	1/-105	17/11	4/-9
HLDC	3/16	78/0	20/8
DEMDC	40/3	3/4	11/9
AIDC	7/7	0/96	8/1
DUM	67/0	24/0	2/8
R-Squared	53/0		

منبع: محاسبات محقق

نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد بر اساس میزان احتمال به دست آمده $(P - Value = 1.6E - 08)$ ، فرضیه صفر مبنی بر آنکه مدل اثرات تصادفی را می‌توان به جای

-
- 1- Fixed Effects
 - 2- Random Effects
 - 3- Hausman Test

مدل اثرات ثابت به کار برد می‌شود. به این ترتیب نتیجه آزمون هاسمن نشان می‌دهد باید در تخمین مدل (۱۵) از روش اثرات ثابت استفاده نمود. در تخمین مدل مذکور جهت رفع ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

بر اساس نتایج نشان داده شده در جدول (۶) می‌توان نتایج تخمین مدل اثرات ثابت را در رابطه (۱۷) نشان داد:

$$Dgg_{it} = -105.1 DC_{it}^2 + 16.3 HL_{it} DC_{it} + 40.3 DEM_{it} DC_{it} + 7.7 AI_{it} DC_{it} + 0.67 DUM_{it} \quad (17)$$

با توجه به اطلاعات جدول مذکور، همه متغیرها از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و دارای علامت مورد انتظار می‌باشد و از این نظر با مبانی نظری بیان شده در بخش‌های دوم و سوم این مقاله سازگار است. همان‌گونه که در رابطه (۱۷) ملاحظه می‌شود متغیر تمرکز زدایی با درجه دو، دارای علامت منفی بوده و از این نظر تایید کننده تحلیل‌های هندسی ارائه شده در بخش ۶ نیز هست. بر این اساس، مشخص می‌گردد که افزایش سطح تمرکز زدایی در ایران الزاماً با رشد اقتصادی همراه نیست و بسته به سطح تمرکز زدایی و محدودیت‌های نهادی- ساختاری در اقتصاد می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد.

با محاسبه نسبت تغییرات میزان رشد اقتصادی به شاخص تمرکز زدایی در رابطه (۱۷) می‌توان میزان و جهت تأثیر گذاری شاخص تمرکز زدایی را بر رشد اقتصادی محاسبه نمود. بر این اساس تغییر سطح تمرکز زدایی باعث افزایش اختلاف رشد استان‌های کشور از رشد اقتصاد ملی - Dgg به عنوان متغیر وابسته رابطه (۱۷) - می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت سیاست تمرکز زدایی اعمال شده در طول برنامه سوم توسعه تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است. از این رو، با توجه به منحنی $IG(D)$ در شکل (۳) می‌توان با افزایش سطح تمرکز زدایی در برخی از استان‌های کشور هنوز هم شاهد افزایش رشد اقتصادی بود. همین مساله واگذاری بیشتر اختیارات به استان‌ها را در ایران توجیه پذیر می‌سازد.

با توجه به ضرایب به دست آمده در رابطه (۱۷) ملاحظه می‌گردد که رفع محدودیت مربوط به نیروی متخصص در اقتصاد کشور، باعث می‌شود تا اجرای سیاست تمرکز زدایی منافع بیشتری را در کشور به همراه داشته باشد. همین وضعیت در مورد توسعه سیاسی و نهادینه شدن دموکراسی نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش توسعه سیاسی می‌تواند پاسخ‌گویی دولت‌های استانی را افزایش داده و نتایج مطلوب‌تری را از اجرای سیاست تمرکز زدایی در کشور به دنبال داشته باشد. یکی از

مشکلات اساسی در راستای اجرای سیاست تمرکز زدایی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، ضعف در نهادهای سیاسی است. این موضوع در ایران با توجه به عدم همراهی انواع تمرکز زدایی - بویژه عدم همراهی تمرکز زدایی سیاسی با تمرکز زدایی مالی - ابعاد مهم‌تری به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، ضریب متغیر اثر متقاطع اطلاعات نامتقارن و شاخص تمرکز زدایی (ALDC) نیز از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد و علامت مثبت را نشان می‌دهد. این موضوع مشخص می‌سازد که اختلاف در چارچوب‌های اقتصادی میان استان‌ها در حدی بوده است که می‌تواند اعمال سیاست تمرکز زدایی را مورد تأیید قرار دهد. البته باید توجه داشت که وابستگی به درآمد نفت و وجود یک اقتصاد تک محصولی تا حدودی اثرات متغیر مذکور را تضعیف نموده است. افزون بر این، ضریب متغیر مجازی نشان می‌دهد که تمهیدات در نظر گرفته شده در راستای اجرای سیاست تمرکز زدایی از سال ۱۳۸۱ به بعد تأثیر مثبتی را بر عملکرد اجرای این سیاست از نظر تأثیر گذاری آن بر رشد اقتصاد ایران داشته است.

۹- نتیجه گیری

وجود منافع و هزینه‌های متعدد در خصوص اجرای سیاست تمرکز زدایی، این باور را به وجود می‌آورد که افزایش اختیارات دولت‌های پایین تر از سطح ملی همواره رابطه مثبتی با رشد اقتصادی نخواهد داشت. این موضوع در این مقاله پس از بیان مبانی نظری ابتدا به صورت یک تحلیل هندسی مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل‌های هندسی مرتبط با اثرات تمرکز زدایی مشخص گردید که به سبب غیر خطی بودن هزینه‌های ناشی از اجرای سیاست تمرکز زدایی، رشد اقتصادی، یک رابطه غیر خطی با سطح تمرکز زدایی خواهد داشت. در ادامه با توجه به تحلیل‌های هندسی انجام گرفته، الگوی ریاضی مرتبط با اثرات اجرای سیاست تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی بسط داده شد. این الگو نشان داد سطح تمرکز زدایی، هم به صورت یک متغیر درجه دوم و هم به صورت متقاطع به واسطه وجود محدودیت‌های نهادی و ساختاری می‌تواند بر رشد اقتصادی موثر واقع شود. سپس با تکیه بر الگوی ریاضی بسط داده شده، یک الگوی اقتصادسنجی با تعدیلاتی به صورت کاربردی و نیز بومی شده برای اقتصاد ایران ارائه گردید. در نهایت با محاسبه شاخص‌های معرفی شده به برآورد این مدل در طول برنامه سوم توسعه برای اقتصاد کشور پرداخته شد. محاسبه

شاخص‌ها و نتایج تخمین مدل نشان داد با وجود آنکه توزیع اختیارات میان استان‌های مختلف کشور منطبق با تئوری‌های موجود نبوده، ولی در مجموع، افزایش شاخص تمرکز زدایی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ملی داشته است.

References:

- 1- Arzaghi, M. and V., Henderson. (2002). "Why Countries are Fiscally Decentralizing". Working Paper, Brown University Press, pp. 1-47.
- 2- Bailey, S. j. (2002). Public Sector Economics: Theory, Policy and Practice. Second Edition, New York, Palgrave Press.
- 3- Bashiriyeh, Hossein (2001). Lessons on Democracy for Everyone. Tehran, Negah-e Moaser Press. (In Persian).
- 4- Break, G. (1967). Intergovernmental Fiscal Relations in the United Nations. Washington D.C., the Brooking Institute Press.
- 5- Brennan, G. and J., Buchanan. (1980). the Power to Tax: Analytical Foundation of a Fiscal Constitution. Cambridge. Cambridge University Press.
- 6- Connolly, S. and A., Munro. (1999). Economics of Public Sector. London. Prentice Hall.
- 7- Ebel, R. D. and S., Yilmaz. (2001). "Concept of Fiscal Decentralization and Worldwide Overview", International Symposium Quebec Commission on Fiscal Imbalance, Quebec City, Quebec, Canada, September, 13-14.
- 8- Freinkman, L. and A., Plekhanov. (2005). "What Determines the Extent of Fiscal Decentralization? the Russian Paradox", World Bank Policy Research Working Paper.
- 9- Hsiao, C. (1986). Analysis of Panel Data. Cambridge. Cambridge University Press.
- 10- Huntington. Samuel. (1991). *Political Order in Changing Societies*. Translated by Mohsen, Salasi, Elm Press, Tehran (In Persian).
- 11- Huther, J. and A., Shah. (1998). "Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization". World Bank Policy Research Working Paper, No. 1894.
- 12- Institute for Trade Studies and Research. (1999). the Role of Government in Chaining World. Translated by Hamidreza, Baradaran Shoraka et al., First Publication, Tehran (In Persian).
- 13- Iran's Statistics Center. (2006). General Population and Housing Census. Tehran (in Persian)
- 14- Iran's Statistics Center. (2004). the Statistical Characteristics of Employment and Unemployment of Household, Tehran, Different Years (in Persian)
- 15- Iran's statistics center. (2004). Regional Production Statistics Yearbook, Different Years (in Persian)
- 16- Iran's statistics center. (2004). the Statistical Characteristics of Employment

- and Unemployment of Household, Tehran, Different Years (in Persian)
- 17- Kaufmann, D. et al. (2005). "Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004", World Bank research Group, available at: www.worldbank.org/wbi/governance/pubs.
 - 18- Litvack, J. et al. (2002). "Rethinking Decentralization in Developing Countries", World Bank Research Paper, Washington D.C., World Bank.
 - 19- Martinez-Vazquez, J. and R. M., MacNab. (2003). "Fiscal Decentralization and Economic Growth", World Development, Vol. 31 (9), pp. 1597-1616.
 - 20- Martinez- Vazquez, J. and R. M., McNab. (2002). "Fiscal Decentralization, Economic Growth and Democratic Governance", Georgia State University, School of Policy Studies.
 - 21- Montero, A. P. and D. J., Samuels. (2004). "The Political Determinants of Decentralization in Latin America, Causes and Consequences", Working Paper, University of Minnesota Press.
 - 22- Planning and Management Organization. (2005). Budget Monitoring Bureau of National Construction Projects, Tehran, Different Years (In Persian).
 - 23- Planning and Management Organization. (2005). Budget Monitoring Bureau of Provincial Construction Projects, Tehran, Different Years (In Persian).
 - 24- Planning and Management Organization. (2005). the Third Plan of Development, Tehran (In Persian).
 - 25- Prud'homme, R. (1995). "On the Dangers of Decentralization", World Bank Economic Review, vol. 10(2), pp. 201-220.
 - 26- Oates, W. E. (1993). "Fiscal Decentralization and Economic Development", National Tax Journal, Vol. 46 (2), pp. 237-243.
 - 27- Oates, W. E. (1972). Fiscal Federalism, New York, Harcourt Brace Jovanovich.
 - 28- Ott, D. (1996). "Decentralization, Political Empowerment, and Democratization in Africa: The Role of Foreign Aid", Africa Bureau Information Center, Research and Reference Services Project, Washington D. C.
 - 29- Rondinelli, D. (1981). "Government Decentralization in Comparative Perspective: Theory and Practice in Developing Countries", International Review of Administrative Sciences, vol. 47 (2), pp. 133-45.
 - 30- Shah, A. (2000). "Balance Acceptability and Responsiveness: Lesson about Decentralization", World Bank Working Paper, Washington D.C., World Bank.
 - 31- Smoke, P. (2001). "Fiscal Decentralization in Developing Countries: Concepts and Practice", Working paper, United Nations Research Institute for Social Development, pp. 1-43.
 - 32- Strumpf, K. (1999). "Does Government Decentralization Increase Policy Innovation", Working Paper, University of North Carolina Press.
 - 33- World Bank (1999). The State in a Changing World, World Development Report, Washington D.C., World Bank.